

در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناس محیط زیست مطرح شد

لرزم توجه دولت جدید به چالش‌های زیست‌محیطی کشور

تغییر اقلیم، فرونشست زمین، نا پایداری محیط زیست، تخریب جنگل‌ها، بحران آب و توسعه صنعتی در حریم تالاب‌ها از جمله چالش‌های زیست‌محیطی هستند که کشور را دچار مشکلات بسیاری کرده‌اند و با توجه به شروع کار دولت جدید باید به طور جدی به این چالش‌ها و مشکلات توجه شود. محیط زیست یکی از موضوع‌های داغ جهانی است. ضرورت بقاست که انسان را مجبور کرده روی این واژه تأمل کند و آن را همچون یک بحث سیاسی – اجتماعی جدی در نظر بگیرد تا با جلوگیری از برهم خوردن هارمونیک نظام طبیعت حاکم بر زمین، ناچی زمین و موجودات آن باشد. زمین، آب، هوا و انسان بازوهای به‌هم‌پیوسته حیات هستند که باید در تعادل و هارمونی نگه داشته شوند. برهم خوردن یکی از این بازوها همه چارچوب فلسفه زندگی روی زمین را برهم می‌زند. بحران محیط زیست که امروزه به یک مسئله جدی و قابل تأمل تبدیل شده، حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. امروزه خطری زمین را تهدید می‌کند که انسان سکونتگاه خود را به نابودی بکشاند، به طوری که گستر دگی و اهمیت این موضوع، توجه دانشمندان را برای نجات آن برانگیخته است. برای اینکه با چالش‌های محیط زیستی کشور بیشتر آشنا شویم، سراغ «محمد درویش» یکی از کارشناسان محیط زیست رفته‌ایم تا مشکلات مختلف را مورد بررسی قرار دهیم.

ابتدا بفرمایید اساسی‌ترین چالش محیط زیستی در کشور چیست؟

مهم‌ترین چالشی که در حال حاضر کشور با آن روبه‌رو است، ناترازی آبخوان‌هاست که مطابق آخرین گزارش‌های شرکت مدیریت منابع آب ایران از مرز ۱۵۰ میلیارد مترمکعب گذشته‌است، یعنی ایرانیان در طول سه تا چهار دهه گذشته ۱۵۰ میلیارد مترمکعب آب از سفره‌های زیرزمینی برداشت کرده‌اند که دوباره تغذیه نشده‌است. با توجه به اینکه ذخیره هزار ساله منابع آب زیرزمینی را چیزی بین ۲۲۰ تا ۲۵۰ میلیارد مترمکعب ارزیابی می‌کنند، دست‌کم دومسوم کل ذخایر آب شیرین ایران در زیرزمین را که حدود هزار سال طول کشیده است به وجود بیاید، از بین برده‌ایم. این موضوع تهدیدی برای امنیت زیستی و شاخص امنیت غذایی برای کشور محسوب می‌شود، ضمن اینکه به دلیل قرار گرفتن ایران در یکی از مناطق خشک و نیمه‌خشک، وجود محدودیت منابع آبی به جز نوار شمالی کشور و بخش‌هایی از غرب کشور، سایر مناطق همواره جنوب‌شرق و جنوب‌غرب کشور بیشتر قابل مشاهده است. وجود دو منطقه کویری در مرکز ایران نیز به بحران آبی کشور افزوده است. آنجا که دیگر امکان جمع‌آوری و احداث سدهای جدید در کشور وجود ندارد، مسلماً در آینده دچار چالش‌هایی خواهیم شد. همچنین از سوی دیگر، امکان انتقال آب از مناطق پرآب کشور به مناطق خشک و کم‌آب نیز بیشتر از میزان فعلی امکانپذیر نبوده و امکان جابه‌جایی آب بین حوزه‌های آبی وجود ندارد که موجب شده‌است ایران جزو کشورهای دارای بحران آبی محسوب شود.

در ارتباط با فرسایش خاک و تخریب جنگل‌ها توضیح دهید.

فرسایش خاک یکی دیگر از موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. در حال حاضر نرخ فرسایش خاک در ایران (میلیارد تن و هشت برابر متوسط جهان است. تخریب رویشگاه‌های جنگلی نیز از دیگر چالش‌های زیست‌محیطی محسوب می‌شود چراکه در طول یک قرن اخیر ۸ میلیون هکتار از رویشگاه‌های جنگلی را در جنگل‌های هیرکانی، ارس باران و زاگرس در غرب کشور از دست داده‌ایم. متأسفانه با توجه به تخریب‌هایی که صورت گرفته جنگل‌های کشور از ۲۰ میلیون هکتار به ۱۲ هکتار رسیده است، به نظر می‌رسد باید حدود ۸ میلیون درخت کاشته شود تا بتوانیم به آینده رویشگاه‌های جنگلی امیدوار باشیم.

وضعیت تصفیه‌خانه‌ها و آلودگی هوادر کشور به چه صورت است؟

به دلیل اینکه تصفیه‌خانه در کشور به اندازه کافی وجود ندارد، شاهد نفوذ شیرابه‌ها و پساب‌ها به آب‌ها هستیم و این موضوع افت کیفی منابع آب و تشدید بیماری‌ها را به دنبال خواهد داشت. آلودگی هوا یکی دیگر از چالش‌هایی است که با آن روبه‌رو هستیم، مطابق بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی رقم خسارت آن به حدود بیش از ۱۱ میلیارد دلار در سال رسیده‌است. آلودگی هوا باعث کشته‌شدن ۵۰ هزار نفر به صورت مستقیم در سال می‌شود، در این بین هزاران نفر در تهران کشته می‌شوند و همچنین درصدها دزایی چنین به ۸ درصد در سال رسیده‌است.

فکر می‌کنید افزایش دما رابطه مستقیمی با تخریب محیط زیست دارد؟

مطابق بررسی‌هایی که در ایستگاه هومند آپسرد انجام داده‌ایم، در طول ۶۰ سال گذشته حدود ۲/۷ درجه دمای هوادر کشور افزایش پیدا کرده که این رقم بیش از متوسط جهانی است و متأسفانه کشور را در خطر تغییر اقلیم قرار داده است. به هر حال گرمای هوا یکی از بحران‌های جدی است که می‌تواند باعث تشدید خشک‌شدن زمین‌های آبی ایران و افزایش خشک‌گرد و خاک و همچنین به نابودی تنوع زیستی منجر شود و در نهایت شتاب متروک‌شدن سکونتگاه‌های انسانی را افزایش دهد.

در حال حاضر چه گونه‌های جانوری در معرض خطر قرار دارند؟

در طول ۱۰۰ اخیر کشور دو گونه جانوری خود را جمله ببر هیرکانی در شمال کشور و شیر یال کوتاه ازرن در جنوب کشور را از دست داده است، در حال حاضر هم یوزپلنگ آسیایی، نیمشوی یا خروس و خرس سیاه در معرض خطر انقراض قرار دارند. این گونه‌های جانوری به نوعی نماد طبیعت ایران محسوب می‌شوند، علاوه بر اینها گونه‌های دیگری مانند پیدهای روزپرواز که محصول گرده‌افشانی طبیعت و مراتع هستند، بیش از ۶۰ گونه آب‌به‌طور کامل منقرض شده‌اند، همچنین تعداد زیادی از سم‌داران همچون کل، بز، قوچ، میش، آهو، جبیر، گوزن، و گورخر و شواکسیت به زمان تأسیس سازمان جدی‌تری را بگیرد، آموزش یکی از مهم‌ترین در واقع تخریب زیستگاه‌های جانوری به جایی رسیده است که ارزشمندترین و شاخص‌ترین گونه‌های جانوری در معرض خطر انقراض قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد دولت جدید برای اینکه بتواند شاهد کشوری آبادتر باشد، باید در زمینه مشکلات زیست‌محیطی تصمیمات جدی‌تری را بگیرد، آموزش یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید در دستور کار خود قرار دهند، آموزش‌های لازم در مدارس و دانشگاه‌ها نسبت به محیط زیست تقویت شده است و فرهنگ توجه بیشتر به محیط زیست ترویج می‌شود. تقویت انجمن‌های مردم‌نهاد برای رشد و تقویت فرهنگ محیط زیستی و کمک به رشد فرهنگ استفاده صحیح از محیط زیست ضروری است. در خیلی از کشورها مردم جلوی پروژه‌های تخریب‌گر محیط زیست می‌ایستند. ضرورت دارد آموزش‌های لازم در مدارس و دانشگاه‌ها نسبت به محیط زیست تقویت و توجه بیشتر به محیط زیست ترویج شود.



گفت‌وگو
سجاد آذری

خونخواهی شهید هنیه موضوع حیثیتی برای ایرانی‌هاست

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» به تشریح ابعاد اجتماعی تقابل نظامی تنش بین ایران و رژیم‌صهیونیستی پس از شهادت اسماعیل هنیه پرداخت

در کشورهای شرقی پیدانمی‌شود و برعکس آن داستانی داریم در مورد یکی از بزرگان قبایل عرب که در چادر خود نشست‌اند و ملخ‌هایی می‌آیند و در سایه آن چادر پناه می‌گیرند، در این زمان برخی از افراد آمدند تا این ملخ‌ها را شکار کنند و در این داستان داریم که آن فرد عرب لباس رزم پوشید و اسلحه به دست گرفت و به زیر آفتاب داغ رفت و گفت: هرکسی که نزدیک این ملخ‌ها شود، من با او مقابله می‌کنم و خوش پای خودش است، چون این ملخ‌ها به من پناه آورده‌اند. وقتی که اینگونه به پناه آوردن و میهمان‌شدن یک حشره نگاه می‌شود، معلوم است که در نگاه شرقی جایگاه یک میهمان عزیز که از او دعوت کرده‌ایم و در کشور ما حضور پیدا کرده است و به شکل ناچوانمر دانه از سوی دیگران کشته می‌شود، چه اثری می‌گذارد.

در تاریخ اسلام نیز این مسئله میهمان‌بودن نمودی داشته‌است؟

اصلاً جنگی که فتح مکه را رقم زد و پیامبر (ص) به سمت مکه حرکت کردند نیز نتیجه همین میهمان‌کشی بود که صلح حدیبیه را باطل کرد. بخشی از کسانی که همپیمان مسلمانان و پیامبر(ص) بودند از سوی گروهی که همپیمان کفار قریش بودند، کشته می‌شوند و پیامبر(ص) تأکید می‌کند که این کار شما نقض عهد است و باید تاوان آن داده شود و تاوان آن نیز چیزی جز فتح مکه نیست، به نوعی شاید بشود اینگونه فال نیک‌زد که این جنایتی که اتفاق افتاد و متأسفانه اسماعیل هنیه را به عنوان میهمان ایران به شهادت رساندند، آن‌شاه‌الله آغازی باشد بر شبیه همان اتفاقی که در فتح مکه افتاد و پیامبر(ص) به خونخواهی کسانی که از سوی همپیمانان پیامبر(ص) کشته شده بودند، مکه را فتح کرد و آن شاه‌الله این آغازی بر فتح سرزمین‌های اشغالی از طرف عموم مسلمانان باشد.

با توجه به اینکه ما در وضعیت احتمال مبارزه مسلحانه با رژیم‌صهیونیستی و حامیان آن هستیم، چقدر جامعه ایرانی را آماده این شرایط می‌بینید؟

تنش‌ی که بین ایران و رژیم‌صهیونیستی به وجود آمده است، از یک جهت سو-به‌های امنیتی و نظامی و از طرف دیگر سو-به اجتماعی دارد. از نظر سو-به اجتماعی می‌می‌خواهم نقد داشته باشم در خصوص کوتاهی‌ای که در قبال بخش‌های اجتماعی اتفاق افتاده است. به نظر من رژیم‌صهیونیستی همانطور که دارد تدارک جنگی می‌بیند، از نظر رسانه‌ای و اجتماعی هم شهروندان تروریست و اشغالگر خود را آماده می‌کند برای این تنش‌ی که رخ می‌دهد ولی به نظر می‌رسد ما از این جهت کوتاهی کرده‌ایم. از اسرائیل دو تصویر دارد مخابره می‌شود که هر دو تصویر در جهت

تکمیل بخش اجتماعی مبارزه اسرائیل با کشورهای مسلمان و محور مقاومت است. تصویر اول این است که شهید هنیه به شهادت می‌رسد و تندروهای اسرائیلی در حال پخش شیرینی هستند، شهرکنشینان تندرو اسلحه در یافت و اعلام می‌کنند ما آماده هستیم. این تصویر که مخابره می‌شود، مدعی است ما عزم جدی برای مقابله با ایران داریم و از این جهت دارند جامعه را آماده می‌کنند و یک پیوست اجتماعی هم برای اقدامات نظامی، تروریستی و امنیتی خود فراهم می‌کنند. یک نوع تصاویر دیگری نیز منتشر می‌شود که این بخش آن خیلی بیشتر در رسانه‌های جهان و ایران بازتاب داشته و آن این است که شهروندان اسرائیلی در هوول‌ولا و به دنبال ذخیره آب‌وفا غنا هستند و به پناهگاه‌ها می‌روند که این تصاویر نیز در خدمت اجتماعی شدن جنگ اسرائیل از دو جنبه است؛ یک استراتژی دائمی اسرائیلی‌ها از بدو تأسیس این است که ببینید ما ملت مظلومی هستیم که از سوی یک عده وحشی در حال تهدیدشدن هستیم و ببینید کودکان ما چطور در پناهگاه‌ها پناه گرفته‌اند و با تمام هویت اشغالگری‌ای که دارند و کارهای وحشتناکی که انجام داده‌اند، می‌گویند ما خواهان صلح هستیم و دست از ارانه این تصویر برمی‌دارند که ما قومی مظلوم هستیم و این تصاویر نشان می‌دهد در حال تدافع قرار داریم. پس بخشی از موضوع اقناع کردن مردم جهان و یادآوری چهره یه و خشن آنها را تا حدودی تلطیف می‌کند. کارکرد دیگر آن برای اقناع داخلی شهروندان تروریست اسرائیل است، به این معنا که می‌گویند ببینید ما در سرزمین خودمان که البته گفته می‌شود آن را اشغال کرده‌اند، مورد تهدید قرار گرفته‌ایم و هیچ چاره‌ای جز جنگ نداریم. به آنها گفته می‌شود تا کی می‌خواهید بچه، زنان و شرکت‌های شما در ترس و لرز به سر ببرد، باید با ایران مقابله شود و با او بجنگیم. من هر دو تصویر را در خدمت

اجتماعی شدن جنگ در اسرائیل می‌دانم. به این معنا که جنبه اجتماعی شدن جنگ را درک کرده‌اند و به خوبی دارند آن را یک ارتش و سپاه قدرتمند داریم که دفعه قبل زد و این دفعه نیز قرار است محکم تر بزنند و اسرائیل هم هیچ غلطی نمی‌تواند انجام می‌شود آن را اشغال کرده‌اند، مورد تهدید قرار گرفته‌ایم و هیچ چاره‌ای جز جنگ نداریم. به آنها گفته می‌شود تا کی می‌خواهید بچه، زنان و شرکت‌های شما در ترس و لرز به سر ببرد، باید با ایران مقابله شود و با او بجنگیم. من هر دو تصویر را در خدمت اجتماعی شدن جنگ در اسرائیل می‌دانم. به این معنا که جنبه اجتماعی شدن جنگ را درک کرده‌اند و به خوبی دارند آن را یک ارتش و سپاه قدرتمند داریم که دفعه قبل زد و این دفعه نیز قرار است محکم تر بزنند و اسرائیل هم هیچ غلطی نمی‌تواند انجام



مردم نباید این تصور را داشته باشند که ما در حال ماجراجویی و به دنبال تنش هستیم بلکه اتفاقاً ما صلح را می‌خواهیم و این تصویر به خصوص برای طبقه متوسط جامعه ایرانی باید بیان و تبیین شود تا این اقناع داخلی صورت بگیرد که حق با ماست و اگر ما تلافی هم می‌کنیم نه صرفاً به خاطر هیجان و احساسات

با حتی به دلیل میهمان‌نوازی، شرافت و حیثیت بلکه به دلیل یک موقعیت تاریخی است که ما مجبور هستیم چنین واکنشی نشان بدهیم و انتخاب دیگری برای ما باقی نگذاشته‌اند

در شرایطی که پس از شهادت اسماعیل هنیه در تهران وضعیت بین ایران و رژیم‌صهیونیستی به سمت تنش نظامی در حال حرکت است و ایران اعلام کرده خونخواه میهمان خود است که از سوی صهیونیست‌ها ترور شده، «جوان» در گفت‌وگو با محسن رزادای، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ابعاد اجتماعی و فرهنگی پیرامون این تنش را بررسی کرده است.

اینکه ایرانی‌ها خود را به عنوان میهمان‌نواز مطرح می‌کنند چه سابقه‌ای دارد و با توجه به اینکه این رفتار در کشورهای اطراف هم وجود دارد، خاستگاه آن چیست؟

میهمان‌نوازی جزو مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع شرقی به خصوص ایران و کشورهای اطراف و همسایه است. آن کشورهایی که جزو تمدن قدیم و کهن ایران هستند که تقریباً شامل تمام قسمت غرب آسیا و شمال آفریقا می‌شود، به شدت روی مؤلفه میهمان‌نوازی تأکید دارند، بنابراین وقتی که ایران می‌گوید ما خونخواه میهمان خود هستیم، مردم منطقه متوجه می‌شوند و از این جهت حق را به ایران می‌دهند که شرافت ایرانی‌ها به واسطه این جنایت صهیونیست‌ها زیر سؤال رفته و وقتی که شرافت یک قوم یا کشوری در قضیه میهمان‌نوازی زیر سؤال می‌رود، جز از طریق خونخواهی، جبران و تلافی کردن آن به هیچ عنوان قابل بازگشت نیست و این مسئله تبدیل به یک موضوع حیثیتی برای ایرانی‌ها می‌شود.

آیا در میان کشورهای دور تر از ما مثلاً در میان غربی‌ها نیز چنین فرهنگ میهمان‌نوازی وجود دارد؟

شاید موضوع میهمان‌نوازی در میان غربی‌ها خیلی مفهوم نداشته باشد. نخست به این دلیل که اصولاً مفهوم، مفهوم شرقی است و از لحاظ سنتی احترام به میهمان و حفاظت از جان میهمان در ادبیات شرقی خیلی جایگاه دارد. فراوان است داستان‌هایی در جوامع شرقی که افراد وقتی به کسی پناه می‌دهند، حاضر هستند جان خود را فدا کنند ولی اجازه ندهند به میهمان‌شان آسیبی وارد شود. دومین نکته این است که در ادبیات غربی اتفاقاً موارد زیادی از میهمان‌کشی وجود دارد که چندان هم مورد سرزنش قرار نگرفته است، بنابراین مفهوم میهمان‌نوازی، احترام به میهمان و حرمت میهمان شاید آنقدر کم باید از لحاظ اخلاقی در میان غربی‌ها پررنگ نیست. به صورت مشخص می‌شود در اسطوره‌های غربی تجاوز و دزدیدن زنان اهل سبایین از سو-ی مردان رومی را یادآوری کرد. پایه‌گذار امپراطوری رم و هم‌منظر شهر رم فردی به نام رومولوس است. در افسانه‌ها آمده، مردانی که در رم بودند، همسر نداشته‌اند. بر اساس افسانه‌ای این افراد جشنواره‌ای بر گزار و از مردم شهرهای همسایه دعوت کردند در این جشن شرکت می‌کنند، زمانی که اهالی سبایین به همراه همسران خود در این جشن شرکت کردند، طبق افسانه‌ها رومولوس که خیلی مورد احترام غربی‌هاست و به نیکی از آن در افسانه‌های غربی یاد شده، علامتی می‌دهد و بعد از آن علامت مردم رم با این فاجعه متولد می‌شوند مردان سبایینی می‌کندند و همسران آنها را به تصرف خودشان درمی‌آورند و نسل اول مردم رم با این فاجعه متولد می‌شوند و فرزندان رم که به نوعی نماد فرهنگی و اسطوره‌ای غرب به شمار می‌روند، همگی حاصل نوعی میهمان‌کشی هستند، بنابراین غربی‌ها شاید متوجه حرمت میهمان نشوند چراکه در اسطوره‌ها و افسانه‌های آنها میهمان کشی خیلی بد نیست بلکه یک نوع زرنگی و رشد و یک نوع شکل‌گیری تمدن رم را به ذهن آنها متبادر کند ولی شبیه این نوع افسانه‌ها و اسطوره‌ها هرگز